

فصلنامه علمی- پژوهشی «پژوهش زبان و ادبیات فارسی»

شماره بیست و پنجم، تابستان ۱۳۹۱: ۴۹-۲۹

تاریخ دریافت: ۱۳۸۹/۰۱/۲۱

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۲/۱۲/۲۶

مقایسه «شیرین و خسرو» روح‌الامین شهرستانی اصفهانی

با «خسرو و شیرین» نظامی

محمدعلی خزانهدارلو*

بهروز سلطانی**

چکیده

روح‌الامین شهرستانی اصفهانی مشهور به میرجمله در سال ۹۸۱ هجری در «شهرستان» از توابع اصفهان به دنیا آمد و در سال ۱۰۴۷ هجری در اثر بیماری لقوه و فالج در دهلی چشم از جهان فروبست. وی با وجود شغل وزارت یکی از شاعران پرکار زمان خویش است. وی به تقلید از نظامی، خمسه‌ای سروده است. شعرهای او قریب به سی هزار بیت است. شیوه او در شاعری همان است که کلیم در مدحش گفته: «خلعت الفاظ بر قد معانی دوخته». مقایسه نظیره‌ها با اصل اثر می‌تواند در شناخت اثر ادبی و دلایل ماندگاری و موفقیت آن راهگشا باشد. در این مقاله، با مقایسه محتوایی و ساختاری- زبانی منظومه شیرین و خسرو روح‌الامین با خسرو و شیرین نظامی، تفاوت‌ها و شباهت‌های دو منظومه بررسی شده است. در بخش‌هایی از داستان که به تقلید از نظامی سروده شده، در شیوه بیان متفاوت است. بسیاری از الفاظ و ترکیبات و تعبیرات نظامی در شعر او با قالب تازه ارائه شده‌اند که نسبت به اصل خود در جایگاه نازل‌تری قرار می‌گیرند. این تغییر و تفاوت اغلب در محور جانشینی و همنشینی رخ می‌دهد. روح‌الامین کمتر به نوجویی در ترکیبات و تعبیرات و الفاظ گرایش دارد و همت خود را بیشتر صرف تغییر روایت و حوادث داستان می‌کند.

واژه‌های کلیدی: نقد ادبی، مقایسه، خسرو و شیرین نظامی، شیرین و خسرو روح‌الامین شهرستانی.

مقدمه

در ادب فارسی هر شاعر که با شیوه‌ای نو پا به عرصه وجود گذاشته انبوهی از نظیره‌سرایان را برانگیخته تا در میدان طبع‌آزمایی با وی برآیند. از بین آثاری که مورد تقلید واقع شده، خمسة نظامی سهم عظیمی دارد؛ به طوری که با یک نگاه به فهرست نسخ خطی، فراوانی نظیره‌های خمسة نظامی آشکار است. این تقلید از روزگار نظامی آغاز می‌شود و در عهد صفویه به اوج خود می‌رسد. هر چند نظیره‌سرایان و مقلدان نظامی هرگز نتوانستند شعر خود را به نظامی نزدیک کنند، گاه موفق شدند با ایجاد تغییرات، به ویژه در روایت داستان موجب تنوع و نوآوری شوند و به جهت سادگی زبان نسبت به نظامی مورد توجه قشر متوسط قرار گیرند.

یکی از مقلدان نظامی در عهد صفوی، «روح‌الامین میرجمله شهرستانی اصفهانی» از رجال قرن ده هجری است. میرجمله در شعر «روح‌الامین» تخلص می‌کرد. وی در سن ۲۹ سالگی برای رسیدن به جاه و مقام سلطنتی عازم هند شد. چنان‌که در *عالم‌آرای عباسی* آمده است، روح‌الامین «مرغ طبیعتش در هوای منصب عالی و حب جاه و حشمت پرواز می‌کرد» (ترکمان، ۱۳۵۰: ۸۸۳) در تذکره‌الشعرا آمده است: «چون میرزا رضی بنی‌عمّ او به منصب صدرات کل سرافراز بود، بواسطه غرور و هم‌چشمی به مناصب دیگر سر فرو نیاورده، بدون رخصت روانه هندوستان شده [است.]» (نصرآبادی، ۱۳۷۸: ۷۹-۸۰).

او در هند به دربار محمدقلی قطب‌شاه می‌پیوندد و به مقام میرجملگی می‌رسد بعد از فوت او با محمد قطب‌شاه اختلاف پیدا می‌کند و به خدمت ابراهیم عادل‌شاه می‌رسد ولی در آنجا نیز روح‌الامین با او نمی‌سازد و به امید این‌که مورد توجه شاه عباس واقع شود، به سوی ایران رهسپار می‌شود. اما شاه عباس در فکر این بود که اموال او را از چنگش خارج کند. بنابراین روح‌الامین، که متوجه موضوع شده بود، در پی نامه جهانگیر پادشاه در سال ۱۰۲۷ (ق. ه) راهی دربار او می‌شود و پس از جهانگیر پادشاه به دربار شاه‌جهان می‌پیوندد. وی در طول حیات درباری خویش به مقام‌های میرجملگی، میرسامانی و میربخشی می‌رسد. او در سال ۱۰۴۷ (ق. ه) دار فانی را وداع می‌گوید. وی به تقلید از نظامی خمسة‌ای سروده که اجزاء آن عبارت‌اند از: ۱. شیرین و خسرو ۲. مطمح‌الانظار در برابر مخزن‌الاسرار ۳. لیلی و مجنون ۴. بهرام‌نامه در برابر هفت‌پیکر ۵. جواهر‌نامه^(۱). دیوان غزلیات وی «گلستان ناز» نام دارد.

شیرین و خسرو روح‌الامین شهرستانی

روح‌الامین «شیرین و خسرو» را به سلطان محمدقلی قطب‌شاه پادشاه گلکنده تقدیم کرده است. به گفته شاعر این منظومه در اثنای رجب سال ۱۰۱۷ (ق. ه) آغاز شده و در ذی‌الحجه سال

۱۰۱۸ (ه.ق) به پایان رسیده است. وی این منظومه را در ۷۶۷۲ بیت به پیروی از نظامی سروده و در بیان حوادث و وقایع گوناگون به نظامی وفادار مانده است. روح‌الامین خود در مثنوی‌اش به استادی نظامی در این فن معترف است. وی در پایان «شیرین و خسرو»، سبب نظم این مثنوی را این گونه بیان می‌دارد:

دعایی در حق من کن که بی‌رنج به دست آرم به زودی ضِعف آن گنج
چو در مبدأ مقدر بود کز نور کند طبعم سیاهی را ز شب دور
(روح‌الامین: ۱۸۱)

شباهت‌ها و تفاوت‌های دو منظومه

شباهت‌های دو منظومه به اختصار

این دو منظومه از لحاظ محتوا بیشترین شباهت را دارند، به ویژه در طرح و پیرنگ داستان که روح‌الامین در اکثر موارد به نظامی وفادار مانده است. روح‌الامین در ابتدا به تأسی از نظامی با شخصیت‌های یکسان و حوادث همسان داستان را آغاز می‌کند، اما در ادامه تغییراتی در روایت داستان به وجود می‌آورد که منظومه او را متفاوت از روایت نظامی می‌سازد. تنه اصلی در هر دو منظومه با راهی شدن شاپور به ارمن به خواهش خسرو آغاز می‌شود و پس از چند حادثه، به ازدواج خسرو و شیرین و شب زفاف آنها می‌انجامد. خاتمه هر دو داستان نیز با مرگ خسرو و شیرین به پایان می‌رسد. علاوه بر این شباهت‌های روایی، تشابه در قافیه، ترکیبات، تعبیرات، توصیفات، تشبیهات و نوع سخنان قهرمانان دیده می‌شود.

تفاوت‌های محتوایی دو منظومه

تفاوت در عقاید و جهان بینی دو شاعر
با توجه به این که روح‌الامین مذهب تشیع داشته و نظامی اشعری مذهب بوده است دیدگاه‌های فلسفی و دینی و کلامی آنها در مقدمه منظومه‌ها متفاوت است. اولین فرق عمده بین روح‌الامین و نظامی در مسئله ولایت و امامت آشکار می‌شود که روح‌الامین در عنوانی جداگانه به مدح و منقبت امام اول شیعیان پرداخته و اعتقاد به ولایت آن حضرت را به نظم کشیده است:
ولایت خود شهادت‌گوی شاه است به هرجا هست رویش سوی شاه است
(همان: ۵۸)

تفاوت دیگر در صفات الهی است که روح‌الامین ضمن اشاره به بعضی از صفات ثبوتیه و سلبیه باری تعالی و توصیف خداوند متعال با اوصاف کمالیه، هرگونه صفت مقارن (محدود) و زائد بر ذات الهی را نفی می‌کند:

خداوندی که چون بر شب سیاهی صفاتش داده ذاتش را گواهی
(همان: ۵۲)

در حالی که اشاعره طرفدار صفات زائد بر ذات‌اند. تفاوت دیگر که در معراج‌نامه هر دو شاعر بروز می‌کند، در مسئله عدم یا امکان رؤیت خداوند است؛ نظامی مطابق باورهای مذهب اشاعره، معتقد به دیدن خدا، با چشم سر است و می‌گوید که حضرت رسول (ص) در معراج خداوند را رؤیت کرده است:

دید پیمبر نه به چشم دگر بلکه بدین چشم سر، این چشم سر
(نظامی، ۱۳۷۸: ۹)

ولی روح‌الامین «رؤیت» خدا را ناممکن می‌داند و می‌گوید:

به عین عشق کن آن چشمه را پاک که نتوان دیدنش از چشم ادراک
(روح‌الامین: ۵۵)

موضوع دیگر که حائز اهمیت است، انکار «رجعت» توسط روح‌الامین است. هرچند اعتقاد به رجعت طبق نظر برخی علمای شیعه از ضروریات این مذهب نیست و ممکن است کسی از شیعه به رجعت اعتقاد نداشته باشد و روایات مربوط به آن را تأویل کند، اما هیچ کدام از علمای شیعه منکر آن نشده‌اند و از طرف دیگر با توجه به منابع، متواتر بودن مسئله رجعت آشکار است.

دگر گفتش که ای دانای هر راز چو کس ز اینجا رود آید دگر باز
جوایش داد دانا از سر هوش که عقل این حرف را کرده فراموش...
چو ساکن گشت دل در کوی جانان برون ناید از آنجا گر دهد جان
(همان: ۱۷۸)

نحوه تقلید روح‌الامین از نظامی

تقلید روح‌الامین از نظامی در همه بخش‌های منظومه یکسان نیست؛ گاهی الفاظ، ترکیبات و تعبیر و مطالبش به نظامی شباهت دارد و گاه کاملاً با آن متفاوت است. در نمونه زیر که از بخش «در توحید باری» از هر دو مثنوی آمده، مشخص است که تفاوت‌های موجود، فقط در نحوه بیان است.

به نام آنکه هستی نام ازو یافت فلک جنبش زمین آرام ازو یافت

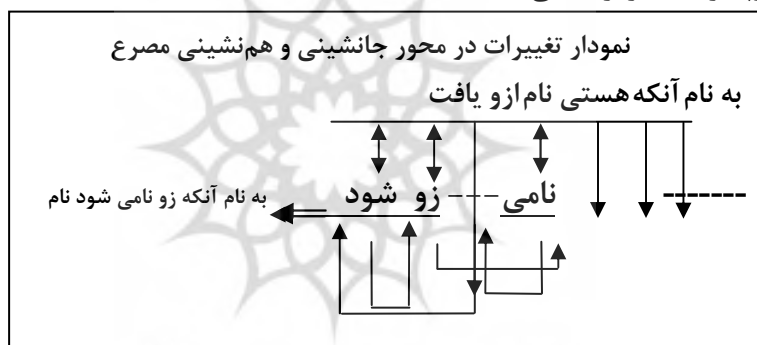
گواهی مطلق آمد بر وجودش
که خوانندش خداوندان خداوند
(نظامی، ۱۳۸۵: ۳)

دهد در کام ماهی کام ناکام
صفاتش داده ذاتش را گواهی...
که هر موجود را با اوست پیوند
(روح‌الامین: ۵۲)

خدایی کآفرینش در سجودش
تعالی‌الله یکی بی‌مثل و مانند

به نام آنکه زو نامی شود نام
خداوندی که چون هر شب سیاهی
تعالی‌الله یکی بی‌نسل و فرزند

دقت در ابیات نشان می‌دهد که این تفاوت در طرز بیان از سوی روح‌الامین، اغلب در محور جانشینی و هم‌نشینی مصرع و بیت به دلیل تغییر قافیه رخ می‌دهد و خود فرایند پیچیده‌ای است که در سایه جابه‌جایی‌ها و انتخاب معادل معنایی واژه‌ها در این دو محور به وجود می‌آید و نشانگر اثرپذیری شاعر از نظامی است.



ابیات زیر، نشانگر نگرش دو شاعر نسبت به عشق و نحوه استفاده روح‌الامین از مفاهیم و تعبیرات نظامی است:

بدان شوق آهنی را چون ربودی
نبودی کهربا جوینده گاه
(نظامی، ۱۳۸۵: ۳۰)

توان گفتن که مقناطیس جان است
روان در پایش اندازد سر خویش
(روح‌الامین: ۶۷)

که مغناطیس اگر عاشق نبودی
وگر عشقی نبودی بر گذرگاه

چو جان بی‌خود به سوی او روان است
کشد آهن‌ربا آهن بر خویش

همان‌گونه که در ابیات بالا ملاحظه شد، نظامی از عشق به مغناطیس تعبیر کرده و روح‌الامین همین تعبیر نظامی را گرفته و با بیان خاص دوباره پروراند و به نظم کشیده است.

نظامی معتقد به ایجاز است، چنان که خود در مقدمه خسرو و شیرین از خداوند برای گفتن سخن موجز و مفید یاری می‌طلبد. او از تکرار سخن فردوسی پرهیز می‌کند مگر این که بخواهد نکته تازه‌ای را بیان کند. ولی روح‌الامین در جست‌وجوی معنی تازه هر چه از استادش می‌آموزد «ضعف» آن را بیان می‌کند.

تفاوت در روایت و تبیین دلایل آن

این منظومه‌ها با وجود شباهت‌های بسیارشان در اصل داستان، تفاوت‌هایی نیز دارند. این تفاوت‌ها در دو بخش روایی و غیرروایی قابل بررسی است. بخش غیرروایی که شامل مقدمه دو منظومه است تفاوت‌های کلامی و دینی و فلسفی و... دو شاعر را آشکار می‌سازد. مقدمه روح‌الامین در دو قالب متفاوت ارائه شده است؛ نخست، مقدمه‌ای به نثر آمیخته به نظم و سپس همانند نظامی مقدمه منظوم را آورده است. این تفاوت خود ناشی از اختلاف سنت ادبی نظیره‌سرایان زمان شاعر با نظامی است. روح‌الامین در مقدمه، زبانی ساده و شیوا دارد. در قسمت منثور، در به‌کارگیری ترکیبات و تعبیرات و ساخت واژه‌های تازه موفق بوده است؛ مانند: بادوش، آب‌آسا، طنبوروار، ناله‌ریز، خزف‌ریزه، مصر سینه، مصقل مهر، اکیلل امان، قضا فرمان و ... اما بخش منظوم مقدمه ساده و روان است؛ برخلاف مقدمه نظامی که فهم تعبیرها و ترکیب‌ها و توصیف‌ها او نیازمند دانش بیشتری است.

مهم‌ترین تفاوت محتوایی دو منظومه در بخش روایی منظومه‌ها نمایانگر می‌شود. از آنجا که این تغییرات از بسامد بالایی برخوردار است، به نظر می‌رسد که ایجاد همین تغییرات روایی و ساده کردن بیان نظامی منظور اصلی روح‌الامین باشد. به دلیل اهمیت این تفاوت‌ها، در سه بخش آغاز داستان، تنه اصلی داستان و خاتمه داستان این تفاوت‌های روایی بررسی می‌شود.

الف) تفاوت‌های روایی در آغاز منظومه

وظیفه آغاز داستان این است که شخصیت‌های کلیدی را معرفی کند، مناسبات اولیه آنها را مشخص نماید، صحنه را برای کنش اصلی آماده سازد و در صورتی که داستان نیاز دارد، چیزی درباره گذشته آن عنوان کند، پایه‌های مضمون را پی‌ریزی نماید و بالاخره اولین نشانه‌های بحران را به خواننده نشان دهد، بحرانی که بعداً منجر به کنش اصلی داستان خواهد شد (اخوت، ۱۳۷۱: ۲۲۶-۲۲۷).

هر دو منظومه با شخصیت‌های یکسان آغاز می‌شود ولی در ادامه روح‌الامین تغییراتی در آغاز داستان ایجاد می‌کند که آغاز داستان او را متفاوت از نظامی می‌سازد. در جدول زیر تفاوت‌های اساسی دو منظومه به ترتیب رخداد در آغاز داستان آمده است.

جدول ۱: تفاوت‌های دو منظومه در آغاز داستان

روح‌الامین	نظامی
مثال شیرین به صورت آهویی در شکارگاه بر خسرو نمودار می‌شود و او را شیفته می‌سازد. در خواب، شیرین به خسرو وعده وصال می‌دهد و افسانه‌پردازان سه افسانه برای بهبود خسرو می‌گویند.	خسرو در پی تأدیب توسط هرمز، انوشیروان را در خواب می‌بیند و به او وعده چهار چیز با ارزش می‌دهد که از جمله آنها شیرین است.
شاپور در روایت روح‌الامین، شاهزاده‌ای از چین است که گریخته و از نزد شیرین آمده است. حرفه نقاشی دارد و شیرین در خواب وعده آمدن او را به خسرو داده است.	شاپور در روایت نظامی به درخواست خسرو از دیدنی‌هایی که دیده است سخن می‌گوید و شیرین را توصیف می‌کند و پس از این توصیف، خسرو وی را مأمور می‌سازد تا او را به وصال شیرین برساند.
در روایت روح‌الامین، شاپور پس از این که از ارمن می‌رسد چهره مصور شیرین را به خسرو نشان می‌دهد و زمانی که به نزد شیرین می‌رود چهره مصور خسرو را به او نشان می‌دهد.	در روایت نظامی، شاپور تصویر خسرو را به شیرین نشان می‌دهد و شیرین با دیدن و شنیدن توصیف خسرو شیفته او می‌شود.

در هر دو منظومه هر دو شاعر با معرفی اشخاص به گسترش پیرنگ داستان می‌پردازند. این گسترش در هر دو داستان توسط حرکت، گفت‌وگو و روایت انجام می‌شود. نظامی برای رساندن داستان به بحران، حادثه‌های فرعی را وارد داستان می‌کند مثلاً حادثه «بی‌رسمی کردن خسرو»، «خواب دیدن خسرو انوشیروان را» و «توصیف شاپور از شیرین». بدین وسیله ضمن نمایاندن ویژگی‌های شخصیت‌ها، حال و هوای داستان را به خواننده منتقل می‌کند تا زمینه بحران آغاز داستان را مهیا سازد. این بحران با عشق خسرو به شیرین نمود پیدا می‌کند.

روح‌الامین نیز همانند نظامی ضمن گسترش پیرنگ به شناساندن و نمایاندن شخصیت‌ها می‌پردازد او در نقش شخصیت‌های اصلی داستان نظامی تغییر ایجاد نمی‌کند و فقط هویت شاپور را تغییر می‌دهد. یعنی شخصیت‌های ایستای داستان نظامی مانند انوشیروان، هرمز و شاپور در منظومه روح‌الامین هم ایستا هستند و شخصیت‌های پویای آغاز داستان، یعنی خسرو و شیرین هم همان پویایی خود را دارند. او در آغاز داستان چند شخصیت ایستای دیگر را وارد جریان داستان کرده که در ابتدای داستان حضور دارند و بعد حذف می‌گردند؛ مثل سه افسانه‌گویی که در محضر خسرو حاضر می‌شوند. حضور آنها در داستان موجب پیوستگی کنش

داستانی در این منظومه شده و شخصیت‌های خسرو و شیرین را معرفی می‌کند. «بحران» در روح‌الامین هم مانند نظامی با عاشق شدن خسرو به شیرین نمایان می‌شود.

نکته برجسته در اینجا نحوه‌ی آشنایی خسرو با شیرین است که می‌بینیم در هر دو منظومه با خواب آغاز می‌شود، در داستان نظامی، خسرو در خواب وعده رسیدن به شیرین را از انوشیروان می‌شنود، ولی در منظومه روح‌الامین این شیرین است که مثال خود را به شکل غزالی به خواب خسرو می‌فرستد و او را شیفته‌ی خود می‌کند و وعده آمدن شاپور یاریگر را به خسرو می‌دهد. شاید این تغییر آغاز داستان توسط روح‌الامین به دلیل تبیین علت و معلولی داستان باشد، زیرا در روایت نظامی خسرو از راه گوش شیفته‌ی شیرین می‌شود و این مسئله شاید در نظر روح‌الامین دلیل کافی برای عشق خسرو به شیرین نبوده است. به همین دلیل او با این تغییر در پی تبیین علت و معلولی داستان بوده تا خواننده را اقناع کند که خسرو برای جست‌وجوی شیرین انگیزه کافی داشته است. چنان که روح‌الامین برای تبیین علت و معلولی عشق این دو به هم، چهره‌ی مصور شیرین را به خسرو و چهره‌ی مصور خسرو را به شیرین توسط شاپور نشان می‌دهد در حالی که در روایت نظامی فقط تصویر خسرو به شیرین نشان داده می‌شود.

ب) تفاوت در تنه اصلی دو منظومه

ابراهیم یونسی درباره‌ی تنه داستان می‌نویسد: «تنه داستان خود داستان است. مقدمه و مؤخره در حقیقت ضمایمی بیش نیستند. چه کنش اصلی و وقایع و هیجاناتی که از آکسیون (کنش) مایه می‌گیرند و رشته انتظاری که دقت و توجه خواننده را تسخیر می‌کند و خلاصه همه آنچه که مایه‌ی اساسی داستان است و به اوج داستان منتهی می‌گردد و آن را قوت می‌دهد در تنه داستان است» (یونسی، ۱۳۶۹: ۱۳۷). معمولاً تنه اصلی داستان دارای پنج جزء اساسی حادثه، هیجان، بحران، انتظار و اوج است. در اینجا مطابق عناصر یاد شده به بررسی تنه اصلی دو منظومه می‌پردازیم.

در جدول زیر تفاوت‌های اساسی دو داستان بر اساس رخداد در تنه اصلی آمده است:

جدول ۲: تفاوت‌های دو داستان در تنه اصلی

روح‌الامین	نظامی
قاصدی سکه‌زدن بهرام به نام خسرو را در ارمن به خسرو می‌رساند و خسرو از ترس هرمز به مداین بر نمی‌گردد.	بزرگ‌امید در مداین خبر سکه‌زدن بهرام به نام خسرو را به او می‌دهد و خسرو از ترس هرمز به ارمن می‌گریزد.
خسرو در راه ارمن همیشه به یاد شیرین است.	خسرو در گریز به ارمن با زیبارویان به عیش می‌پردازد.
خسرو به محض رسیدن به مداین و آگاهی از	خسرو پس از این که از ارمن به مداین باز

<p>رفتن شیرین به ارمن، تاج و تخت را رها می‌کند. در راه خبر شورش بهرام به او می‌رسد در حالی که در دژی گرفتار می‌آید و به حيله از دژ می‌گریزد و به ارمن می‌راند.</p>	<p>می‌گردد و بر تخت می‌نشیند بهرام بر او می‌آشوبد و خسرو از دست بهرام به ارمن می‌گریزد.</p>
<p>خسرو پس از گریز از دژ در راه به شاپور برمی‌خورد و از او می‌خواهد که شیرین را به نزدش بیاورد.</p>	<p>خسرو در حین حرکت به سوی ارمن به صورت تصادفی شیرین را در شکارگاهی می‌بیند.</p>
<p>-----</p>	<p>خسرو با شیرین و یاران شیرین به چوگان بازی می‌پردازد.</p>
<p>ماجرای حمله سپاه روم به بهرام به تفصیل سروده شده است و سردار رومی پسر پادشاه روم معرفی می‌شود.</p>	<p>نظامی لشکرکشی سپاه روم به بهرام را با اشاره- ای گذرا به نظم می‌کشد و سردار رومی را نیاطوس برادر قیصر می‌داند.</p>
<p>خسرو با ارسال نامه به پهلوانان بهرام و جلب همراهی آنان موجبات شکست بهرام را فراهم می‌کند.</p>	<p>در جنگ میان بهرام و خسرو، بزرگامید مترصد فرصتی است که خسرو با فیل بر بهرام بتازد.</p>
<p>شیرین بعد از رفتن خسرو به روم از رفتارش با خسرو پشیمان شده و به دنبال خسرو راهی روم می‌شود و از ازدواج خسرو و مریم خبردار شده به ایران می‌رود.</p>	<p>شیرین از ازدواج خسرو با مریم بی‌خبر است و پس از فوت مهین‌بانو یک‌سال حکومت می‌کند و بعدها از ازدواج آنها خبردار شده به ایران می‌آید.</p>
<p>بعد از فرار بهرام به چین فرجام کار او نامشخص می‌ماند.</p>	<p>سرنوشت بهرام چوبین، با مرگش در چین رقم می‌خورد.</p>
<p>-----</p>	<p>نظامی سی لحن بارید را ذکر کرده و به توصیف آنها پرداخته است.</p>
<p>-----</p>	<p>خسرو از مریم می‌خواهد که اجازه دهد شیرین به مشکوی بیاید ولی مریم تهدید به خودکشی می‌کند.</p>
<p>شیرین در خواب خسرو را سرزنش می‌کند لذا خسرو از شاپور می‌خواهد که شیرین را پنهانی به قصر بیاورد.</p>	<p>خسرو از شاپور می‌خواهد که شیرین را پوشیده از نظر مریم به قصر بیاورد.</p>
<p>شیرین در صید آهوئی به بیستون می‌رسد و فرهاد را می‌بیند و ملامت می‌کند اما با شنیدن سخنان فرهاد او را می‌ستاید.</p>	<p>شیرین از کوه‌کنی فرهاد در بیستون آگاه است و برای دیدن فرهاد به بیستون می‌رود و کاسه‌ای شیر به او می‌دهد.</p>

فرهاد بعد از این که اسب شیرین از خستگی می‌افتد، سوار و اسب را بر دوش می‌کشد و به قصر می‌رساند.	فرهاد پس از این که اسب شیرین از خستگی می‌افتد هر دو را بر دوش می‌گیرد. در راه، گرا را که قصد دستگیری او را داشت می‌کشد و شیرین را به قصر می‌رساند.
نظامی مرگ مریم را به خاطر «زهرآلود همت» شیرین می‌داند.	مریم از قضای روزگار و به مرگ طبیعی می‌میرد.
خسرو که بی‌پاسخ از پای قصر شیرین باز می‌گردد می‌خوابد و رؤیایی می‌بیند. شاپور خوابش را به خیر تعبیر می‌کند و از خسرو می‌خواهد که بزم‌آرایی کند در این بزم شیرین مخفیانه توسط شاپور حاضر می‌شود.	خسرو پس از بازگشت از قصر شیرین، شاپور را برای نصیحت شیرین می‌فرستد. در راه شاپور به شیرین پشیمان می‌رسد. شاپور ماجرا را با خسرو در میان می‌گذارد و او به نزد شیرین رفته بزم‌آرایی می‌کنند.

با دقت در نکات یاد شده، می‌توان گفت که تقریباً هر دو داستان به یک میزان از حادثه در داستان خود استفاده کرده‌اند و حوادث به وجود آمده آگاهانه بوده و در ضمن حوادث، شخصیت‌ها معرفی شده‌اند. اما چیزی که در حادثه تأثیر دارد قانون علیت است که باید با آن منطبق باشد؛ مثلاً در روایت نظامی، زمانی که خسرو در مداین است بهرام چوبین بر او می‌آشوبد و خسرو از دست بهرام به ارمن می‌گریزد. ولی در منظومه روح‌الامین، وقتی خسرو به مداین می‌رسد و می‌بیند که شیرین از آنجا رفته، تاج و تخت را رها می‌کند و به سوی ارمن می‌رود و بهرام از غیبت او استفاده کرده تاج و تخت را به دست می‌آورد و عده‌ای را برای دستگیری او به سمت ارمن می‌فرستد. خسرو در دژی گرفتار می‌شود و در نهایت در لباس خدمتکاران از راه پنهانی قصر می‌گریزد و به سمت ارمن حرکت می‌کند. در این حادثه دو نیروی متضاد با هم برخورد دارند؛ یکی خسرو و دیگری بهرام. این برخورد موجب شکل‌گیری بحران در داستان می‌شود، بحران جسمانی برای شخصیت‌های داستان و بحران منطقی برای خواننده که منجر به شدت هیجان می‌شود. البته باید توجه داشت که منطبق هر داستان با داستان دیگر متفاوت است و علاوه بر آن خصوصیات روحی، فکری و جسمی شخصیت‌ها و عوامل محیطی و غیر محیطی در ایجاد منطبق مقبول داستان مؤثرند. چنان‌که در منظومه روح‌الامین، در این حادثه تعلیق به وجود آمده برای خسرو، کنجکاو مخاطب را برمی‌انگیزد که خسرو کدام را انتخاب خواهد کرد؛ شیرین را یا سلطنت را. این تردید و بحران مخاطب را نسبت به سرنوشت خسرو مشتاق می‌کند. اما در روایت نظامی، هر چند خسرو به گونه‌ای پوشیده بر سر این انتخاب قرار دارد ولی چون شورش بهرام او را به ارمن می‌کشاند، در نتیجه حالت تعلیقی کمتری پدید می‌آید. با این حال، از

آنجا که نظامی در حوادث پیشین خواننده را در انتظار نگه داشته، همچنان داستان و تعقیب روایت برای خواننده جذاب است. قوی‌ترین اوج تنه اصلی در برگشت نومیدانه خسرو از قصر شیرین شکل می‌گیرد. در روایت نظامی، خسرو با این‌که شیفته شیرین است، بر تاج و تخت می‌نشیند و به یاد شیرین نمی‌افتد و شورش بهرام و فرار از آسیب بهرام، او را به سمت ارمن راهی می‌کند. از طرف دیگر، بهرام با وجود خسرو بر تخت، توانسته دیگران را بر او بشوراند. اما در روایت روح‌الامین خسرو در این حادثه صفت یک عاشق را دارد و شیرین را بر تاج و تخت ترجیح می‌دهد و به سوی ارمن راهی می‌شود و بهرام از غیبت خسرو استفاده می‌کند، تاج و تخت را به دست می‌آورد، خسرو را در دژی گرفتار می‌کند و حادثه‌ای دیگر به وجود می‌آورد و باعث می‌شود که پیرنگ داستان روح‌الامین حول و حوش این حوادث شکل بگیرد و هیجان را به خواننده انتقال دهد.

ج) تفاوت در خاتمه داستان در دو منظومه

منظور از پایان داستان «امری است که برعکس آغاز باشد و آن عبارت است از چیزی که به ذات خویش و به حکم طبیعت همیشه و یا بیشتر اوقات در دنبال چیز دیگر باشد اما در دنبال آن، چیزی نباشد» (ارسطو، ۱۳۵۷: ۱۲۵). تفاوت‌های دو منظومه در خاتمه داستان به ترتیب رخداد در جدول زیر آمده است:

جدول ۳: تفاوت‌های دو منظومه در خاتمه داستان

روح‌الامین	نظامی
این چهل نکته در روایت روح‌الامین ذکر نشده است.	بزرگامید ۴۰ قصه از کلیله و دمنه را برای شیرین می‌آورد.
شیرویه بر او می‌آشوبد و او را زندانی می‌کند.	خسرو به آتشیخانه رفته و از حکومت صرف نظر می‌کند.
خسرو و شیرین خواب بدی می‌بینند و می‌فهمند که اخترشان در زوال است.	خسرو و شیرین از قضای بد روزگار آگاه نیستند و در خواب هستند که دیوچهری پهلوی خسرو را می‌شکافد.
حرفی از عشق شیرویه نسبت به شیرین در میان نیست.	نظامی از عشق شیرویه به شیرین سخن گفته است.
قاتل خسرو یکی از پسران هرمز است.	قاتل خسرو دیوچهری است که هویتش به درستی معلوم نیست.
شیرین بیدار است و شاهد ضربه خوردن خسرو.	زمانی که خسرو زخم می‌خورد، شیرین را از خواب بیدار نمی‌کند و آرام در کنار او می‌میرد.

<p>شیرین بلافاصله پس از خسرو خود را با خنجری می‌کشد.</p>	<p>مرگ شیرین پس از مراسم تدفین خسرو صورت می‌گیرد.</p>
<p>پس از مرگ خسرو و شیرین با پندی چند از این حادثه عبرت انگیز و وصف حال خود و علت پرداختنش به این کار و یاد نظامی و جامی و دهلوی و دیگر شاعرانی که نظیره‌سرای نظامی بوده‌اند و شرح فراخواندن سلطان محمدقلی روح‌الامین را به نزدش و تقدیم کتاب به او، اشاره به آغاز سرودن مطمح‌الانظار و طلب عفو و بخشش از خداوند کتاب خویش را به پایان می‌رساند.</p>	<p>نظامی با نصیحت به فرزند در پایان کتاب به علت اصلی گرفتار آمدن خسرو به چنان سرنوشتی اشاره می‌کند و آنگاه به خواب خسرو می‌پردازد و حدیث پیامبر اسلام را که قبلاً اردشیر بابکان ظهور آن حضرت را به جانشینان خود خبر داده و آن را در خزینه نهاده بود و نیز جریان تاریخی آوردن نامه پیامبر به خسرو و غرور خسرو را که مانع پذیرش اسلام بود، به رشته نظم کشیده است. نظامی علت اصلی زوال پادشاهی پرویز را این غرور شیطانی و آن بی‌ادبی او در برابر نامه رسول خدا (ص) می‌داند و سپس به معراج پیامبر می‌پردازد و در پایان با مذمت روزگار و شرح ملاقات خود با عثمان قزل ارسلان و کمک خواستن از خداوند و طلب بخشش، مثنوی را به پایان می‌رساند.</p>

چنان که از تفاوت‌ها می‌توان نتیجه گرفت، روح‌الامین بعضی تغییرات را بنا به دلایل اخلاقی در داستانش ایجاد کرده است. مثلاً از زن‌بارگی خسرو در «شیرین و خسرو» اثری نیست، در حالی که در روایت نظامی خسرو در مسیر مداین تا ارمن با زنان زیادی می‌آمیزد. همچنین، ماجرای شیفتگی پسر خسرو به شیرین را از داستانش حذف می‌کند تا داستانش مطابق موازین اخلاقی عصرش باشد که این تغییرات موجب به وجود آمدن تفاوت در کم و کیف عناصر داستان است. باید اذعان کرد که بخش پایان در خسرو و شیرین نظامی از لحاظ تاریخی پربارتر از منظومه روح‌الامین است. چرا که در منظومه روح‌الامین جز ذکر نام محمدقلی و جامی و دهلوی مطالب تاریخی دیگری نیامده است، ولی در اثر نظامی مطالب تاریخی معتبری وجود دارد که بخشی از آن مطالب با تاریخ مدون ما تطبیق دارد؛ نظیر نامه نوشتن پیامبر (ص) به خسرو و جنگ ذیقار و مرگ شمس‌الدین محمد جهان‌پهلوان و ذکر نام دو تن از بازماندگان یعنی مؤید نصرت‌الدین و ابوبکر محمد و نیز قسمتی دیگر از آیات و احادیث و روایات مذهبی مانند دیدن خسرو حضرت محمد (ص) را در خواب و یافتن لوح اردشیر که ظهور آن حضرت را پیش‌گویی کرده است و بیان مسائلی که در معراج حضرت رسول اکرم (ص) اتفاق می‌افتد که همه از اهمیت خاصی برخوردار است. اما مسئله مهم در خاتمه داستان خسرو و شیرین نظامی که باید به آن توجه

کرد، تحولی است که در شخصیت خسرو تحت تأثیر شیرین رخ می‌دهد؛ چنان‌که پایان «داستان عاشقانه سراسر ماجرا» را رنگ و بوی عرفانی می‌دهد و خسروی که جز مستی و عشرت و شادی و پیوستن به زنان کاری نداشت به درجه‌ای از استحاله شخصیت می‌رسد که در حالی که پهلویش دریده شده است و تشنگی عذابش می‌دهد حاضر نیست شیرین غنوده در خواب‌ناز را بیدار کند. در روح‌الامین این تغییر را در شخصیت خسرو نمی‌بینیم و او با دگرگون کردن انجام داستان، این صعود روحانی را از داستان سلب کرده است.

تفاوت‌های ساختاری - زبانی

سبک شاعری

روح‌الامین شاعرپیشه نیست و شاعری را، چون دیگر شاعران، وسیله‌امرار معاش خود قرار نداده است چنان‌که خود در «شیرین و خسرو» در سبب نظم کتاب می‌گوید:

بدو گفتم که ای چون جان گرامی نیم شاعر چو خسرو یا نظامی
مرا اشغال سلطانی بسی هست نیارم داشتن زان لحظه‌ای دست
(روح‌الامین: ۱۸۰)

نصرآبادی کلیات روح‌الامین را قریب بیست هزار بیت می‌نویسد اما نام نمی‌برد (نصرآبادی، ۱۳۷۸: ۸۰). به گفته صفا «سخنش ساده و روان و تواناییش در مثنوی بیشتر از غزل است» (صفا، ۱۳۶۹، ج ۵: ۱۱۲۴). روح‌الامین به مدد قوت طبع و آسانی نظم شعر، و نیز زبان بسیار ساده و روانی که برای شاعری اختیار کرده بود و برتری معنی بر لفظ مورد مدح و ستایش شاعری چون کلیم کاشانی است. کلیم چهار قصیده در مدح روح‌الامین دارد و در چند غزل هم از وی نام برده است. با تعمق در ابیات زیر از کلیم که در مدح روح‌الامین است، می‌توان به شیوه سخن‌سرایی وی پی‌برد.

لفظ بر معنی دلالت می‌کند از بس ظهور در همه اشعار تو معنی بود بر لفظ دال
بس که مربوطاند معنی‌ها به هم چون سلسله جزوه‌ها یابند بی‌شیرازه با هم اتصال
(کاشانی، ۱۳۶۲: ۴۶)

اما شعر نظامی متعلق به سبک آذربایجانی است. وی «در انتخاب الفاظ و کلمات مناسب و ایجاد ترکیبات خاص تازه و ابداع و اختراع معانی و مضامین نو و دل‌پسند در هر مورد و تصویر جزئیات و نیروی تخیل و دقت در وصف و ایجاد مناظر رائق و ریزه‌کاری در توصیف طبیعت و اشخاص و احوال و به کار بردن تشبیهات و استعارات مطبوع و نو، در شمار کسانی است که بعد از خود نظیری نیافته است» (صفا، ۱۳۷۳: ۳۱۸).

استفاده از دانش شخصی در شعر

روح‌الامین علاوه بر این که تجربیات شخصی و روزمره خود را وارد شعر می‌کند، گاهی از اصطلاحات نجومی، برای تصویرسازی حتی در عنوان مطالب استفاده می‌کند. نمونه‌های زیر از جمله این موارد است.

«رسیدن خبر احراق ستاره زندگانی هرمز در ملک ارمن به خسرو و افکندن آن خورشید تابان به برج سعدِ شاهی، پرتو ...» (روح‌الامین: ۱۰۶)

چو ساغر شد به دست شاه همبر تو گفتی جفت شد مریخ با خور
(همان: ۱۱۵)

البته، نظامی انبوهی از اطلاعات در زمینه‌های مختلف از فرهنگ عامه، بازی‌ها، نجوم و ... در شعرش گنجانده است. به عنوان نمونه برای فهم «مناجات مجنون در شب نظامی» خواننده باید دانش کافی داشته باشد، ولی شعر روح‌الامین از این جنبه نیز در برابر نظامی برجستگی خاصی ندارد و بسیار ساده می‌نماید و اساساً یکی از اهداف بازسرای منظمه‌های نظامی توسط روح‌الامین ساده کردن زبان آن و حذف دانش شخصی نظامی است.

تصویرسازی و توصیف با استفاده از شکل حروف و کلمات

روح‌الامین با اثرپذیری از سبک نظامی و فخرالدین اسعد گرگانی گاهی در شعرش با کمک حروف الفبا و شکل کلمات به تصویرسازی می‌پردازد. از جمله می‌توان به موارد زیر اشاره کرد.

ز حرف جود او خور نقطه جیم فلک در سطر علمش حلقه میم
(همان: ۵۳)

کلید فتح باشد تیغ شاهان بسود ستین سخن دندانۀ آن
(همان: ۷۵)

البته استعاره‌هایی که نظامی با حروف الفبا ساخته است در به‌کارگیری نیروی تخیل و نوآوری در مضامین و فشرده‌گی قابل قیاس نیست. در بیت زیر نظامی عقیق میم‌شکل و سنگ را برای دهان و دندان استعاره آورده است:

عقیق میم شکلش سنگ در مشث که تا بر حرف او کس ننهد انگشت
رخ از باغ سبک روحی نسیمی دهان از نقطه موهوم میمی

(نظامی، ۱۳۸۵: ۳۱۹-۳۲۰)

ادب بیان

روح‌الامین هم مانند نظامی از بیان استعاری برای گفتن مسائل پوشیده بهره می‌برد. او برای این منظور، از ترندهای مختلفی مثل استفاده از شکل حروف و جانشینی معادل‌های مادی، جانوری و گیاهی در شعرش بهره می‌گیرد. به عنوان مثال، می‌توان به نمونه‌های زیر اشاره کرد:

چون آن دُرِ ثمین را سفت در دم بگفت این است فتح‌الباب عالم
(روح‌الامین: ۱۱۹)

بمیرد تا ز رشک این سفلۀ پیر الف را در میان لام الف گیر
(همان: ۱۲۳)

در اغلب این مواضع هر چند روح‌الامین سخن را پوشیده نگاه می‌دارد ولی همچنان زشتی و کراهت مطلب برقرار است. در مقابل، نظامی در عین این که مطلب را پوشیده بیان می‌کند، طراوت و زیبایی خاصی به آن می‌بخشد که دل‌پسند است و از کراهت عرفی آن می‌کاهد:

چکیده آب گل در سیمگون جام شکر بگداخته در مغز بادام
(نظامی، ۱۳۸۵: ۳۲۲)

دایره واژگانی

واژگان به کار رفته در منظومه روح‌الامین تقریباً محدود به کلمات ساده و معمولی است که در نظم قرن دهم در شعر بسیاری از شاعران آمده و در این خصوص قابل قیاس با دایره واژگانی نظامی نیست. در حدود سیزده درصد واژگان منظومه روح‌الامین، عربی‌اند که اغلب آنها در نظم گذشته به فراوانی به کار رفته‌اند. هر چند گاهی کلمات نادر عربی و برخی عبارات و جملات کوتاه عربی نیز در متن حضور دارد؛ مانند: مرزوعات، مباحی، مافیها، اغثنی یا غیاث المستغیثین در ابیات زیر:

مجرد شو درین ره چون مسیحا مشو حمال مرزوعات دنیا
(روح‌الامین: ۵۸)

ز شرمش خور نشسته در سیاهی زمین از نقش پای او مباحی
(همان: ۵۷)

به معشوق گزین چون گشت همدوش شدش دنیا و مافیها فراموش
(همان: ۱۱۱)

فزون از حد مرا بار است سنگین اغثنی یا غیاث المستغیثین
(همان: ۱۵۲)

استفاده از لغات و اصطلاحات محاوره برخلاف سبک‌های پیشین در سبک هندی رواج یافت. در منظومه روح‌الامین نیز گاه به چنین لغاتی می‌رسیم هر چند در مقایسه با شعرایی مانند بیدل و صائب تعداد این واژه‌ها در شعر او بسیار ناچیز است. مانند بخیه، چنبر و پاسنگ ترازو بودن در ابیات زیر:

فتد تا بخیه‌ای بر چاک پرویز نمودی هر زمان لعبی به انگیز
(روح‌الامین: ۱۱۲)

نیچد هیچ کس از حکم تو سر جهد بیرون ز امرت مه ز چنبر
(همان: ۱۶۰)

به حلمش کوه را کی زور بازوست که آنجا چرخ پاسنگ ترازوست
(همان: ۵۷)

از دیگر ویژگی‌های سبکی روح‌الامین، ساخت ترکیبات جدید است. این ویژگی که در مقدمه بسامد بیشتری دارد و با ورود به بخش روایی از میزان آن کاسته می‌شود، در ابیات زیر قابل توجه است:

به حکمت رهنمای و چاره‌آموز به قدرت کارفرمای شب و روز
رصدبند محبت در دل خاک مقارن‌دار نشأ با رگ تاک
خمش دارلب عزلت‌گزینان به او گویا زبان دل‌رهینان
اساس افراز این کاخ دلاویز فرح‌افزای هر قصر طرب‌خیز
شفای عاجل‌آموز لب یار دواانگیز محرومان دیدار
(همان: ۵۳)

درست ماه از آن کاسدبها شد که در بطحا درستش ناروا شد
(همان: ۵۷)

اگر خسروصفت شیرین‌گرایی به چشم آسمان شیرین‌نمایی
(همان: ۶۴)

اما لغات و عبارات عربی در اشعار نظامی به وفور یافت می‌شود. نیز، در سبک عراقی بر خلاف سبک هندی، برخی واژه‌ها و از جمله لغات محاوره به دلیل عدم فخامت و پذیرش ذوق ادبا به کار نمی‌رفت. در باب ساخت ترکیبات جدید به جای کلمات و صفات متداول یا معنی غایب، باز باید گفت که نظامی در ابداع ترکیبات زیبا که با روح زبان سازگار است گوی سبقت را ربوده است.

شیوه بیان

استفاده روح‌الامین از آرایه‌های ادبی در شعرش چشم‌گیر است. اغلب آرایه‌هایی که مورد استفاده شاعر قرار گرفته است در حوزه مجاز قرار دارند. در باب تشبیه، روح‌الامین از انواع تشبیه بهره برده و به خوبی تأثیر تشبیهات نظامی در شعر او آشکار است. مثلاً اخذ وجه شبه از امور متضاد در تشبیه، از ویژگی‌های تشبیه نظامی است^(۳) که در شعر روح‌الامین نیز مواردی متوسط از آن را می‌توان یافت:

لبی چون انگبین داری ز من دور زبان در من کشی چون نیش زنبور
(نظامی، ۱۳۸۵: ۲۷۶)

بخواند آن نامه را بالا تا به پایین سراسر بود همچون زهر شیرین
(روح‌الامین: ۱۴۵)

یا تلفیق تلخ و شیرین به مناسبت نام شیرین که از ابتکارات نظامی است:

بدان داور که او دارای دهر است که بی تو عمر شیرینم چو زهرست
(نظامی، ۱۳۸۵: ۲۹۸)

بود پیش مذاقش تلخ شیرین نماید در بر او کفر چون دین
(روح‌الامین: ۶۳)

نظامی در انتخاب تشبیهات محسوس و خیال‌انگیز مهارت بی‌نظیری دارد و روح‌الامین نیز چنین تشبیهاتی دارد، مانند ابیات زیر:

پرنده‌ی آسمان‌گون بر میان زد شد اندر آب و آتش در جهان زد
فلک را کرد کحلی پوش پروین موصّل کرد نیلوفر به نسرین
(همان‌جا)

پرنده‌ی بر کمر بسته شکر لب نهان تا ظهر گشته روز در شب...
به آب گل بنفشه گاه شستی چو نیلوفر گهی در آب رستی
(همان: ۹۵)

روح‌الامین در ساخت تصاویر تشبیهی خود به تمثیل نیز گرایش خاصی دارد و از آن بهره می‌برد؛ چنان که در سبک هندی معمول است:

عتاب‌آمیز گفت آن مه به خورشید نچیند هیچ کس هرگز گل از بید
(همان: ۷۸)

استعاره نیز در شعر هر دو شاعر کاربرد فراوانی دارد از ویژگی‌های استعاره در شعر نظامی آمیختن استعاره با تشبیه و کثرت استعاره در سطح مصراع و بیت است که روح الامین نیز به پیروی از نظامی مواردی از این گونه دارد:

پس او در غلامان و کنیزان ز نرگس بر سمن سیمابریزان
(نظامی، ۱۳۸۵: ۳۴۹)

بنفشه بر گل بادام افشانند چو نیلوفر میان چشمه درماند
(روح‌الامین: ۹۶)

در مورد تشخیص، باید گفت که در هر دو منظومه به کثرت به کار رفته است و مفاهیم مادی و انتزاعی در صفات و حالاتی انسانی تجلی پیدا کرده‌اند ولی سخن نظامی طبیعی و مبتکرانه است و روح الامین وامدار نظامی و دیگر شاعران است؛ مانند بیت زیر:

گل از شادی علم در باغ می‌زد سپاه فاخته بر زاغ می‌زد
(نظامی، ۱۳۸۵: ۱۰۶)

افق گیرد چو لب بر کاسه زر شود رخساره‌اش یاقوت احمر
(روح‌الامین: ۷۶)

نکته قابل توجه دیگر توجه به اغراق است که باید گفت ذات منظومه نظامی بر پایه اغراق نهاده شده و در توصیف از آن بهره می‌برد. روح‌الامین نیز با توجه به سبک نظامی تلاش‌هایی در این زمینه کرده است تا از اغراق به عنوان یک تصویر هنری شعری استفاده کند:

عقاب خویش را در پویه پر داد ز نعلش گاو و ماهی را خبر داد
(نظامی، ۱۳۸۵: ۷۱)

ز درد آتش فشاند از چشم چندان که شد آتشکده یکسر بیابان
(روح‌الامین: ۱۵۵)

به‌کارگیری توصیف در دو منظومه

در داستان‌های غنایی توصیف از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است. توصیف، خواننده را با صحنه و اشخاص داستان آشنا می‌کند. شاعر در توصیف، حواس خواننده را به بازی می‌گیرد و با الفاظ و ترکیبات و تعبیرات، حسی را که خود در لحظه سرودن دارد به خواننده انتقال می‌دهد. این حس مشترک و فهم مشترک خواننده با شاعر، موجب ایجاد لذت ادبی در خواننده می‌شود. توصیف در سنت ادبی ما ساختار خاصی داشته است؛ بدین ترتیب که خالق اثر، هر بخش داستان را با توصیفی از مظاهر طبیعت، مجالس بزم و هر چیزی که متناسب با حال و مقام داستان بود آغاز می‌کرد، چنان که گاه این نوع آغازها خود براعت استهلالی از فرجام آن بخش بود.

معمولاً برای توصیف در داستان از سه شیوه استفاده می‌کنند: «الف) توصیف مستقیم که نویسنده از زبان خود و یا زبان یکی از اشخاص داستان، خصوصیات اشخاص را به خواننده منتقل می‌کند. ب) توصیف به یاری گفت‌وگو (ج) توصیف به وسیله عمل (کنش) که نویسنده اشخاص داستان را به حرکت در می‌آورد و به یاری اعمالشان خواننده را با خصوصیات آنان آشنا می‌سازد» (ظفری، ۱۳۷۲: ۴۷۱).

روح‌الامین مانند نظامی در آغاز هر بخش از توصیف به شیوهٔ براعت استهلالی بهره برده است و همچون نظامی از هر سه شیوه، در داستان‌پردازی استفاده کرده است. توصیفات نظامی موجز و مفید و هنری است در حالی که روح‌الامین پا را از دایرهٔ «ایجاز غنایی»^(۳) فراتر گذاشته است. نظامی در «وصف جمال شیرین» در ۵۰ بیت به زیباترین و هنری‌ترین شکل همراه با ایجاز، شیرین را وصف کرده است، در حالی که روح‌الامین در ۱۰۹ بیت به وصف جمال شیرین پرداخته که اغلب خالی از هر نوع ابتکاری است. این اطناب در سخن روح‌الامین به دلیل جستن معنی تازه است. با این حال، باید گفت که توصیفات او ساده و روان است و معنی بر لفظ برتری دارد. توصیفات او یکدست نیست؛ جایی که تقلید کرده کمتر موفق بوده، ولی جایی که خود ابتکار به خرج داده موفقیت‌هایی به دست آورده است. چنان که در توصیف عجز شب زفاف خسرو ابیات زیبایی می‌سراید هر چند که ابتکار این تشبیهات نیز از نظامی است و وی برای توصیف اشخاص داستان تمام اجزای شخص را با تشبیه به تصویر می‌کشد:

عجوزی بود همراهش چو دنیا تهی، گردونِ کامش از تریا
رخش قارورهٔ پُرشاش بیمار دلی پُر رخنه همچون کوه پُر غار
زنخ چون حنظل پهلوشکسته به فرق سر دو دسته خار بسته...
(روح‌الامین: ۴۰۳)

بدیهی است که روح‌الامین در «شیرین و خسرو» از نظامی در زمینهٔ توصیف تأثیر پذیرفته است و این از فراوانی تصاویر ارائه شده، انسان‌وارگی عناصر بی‌جان، الفاظ، ترکیبات و تعبیرات یکسان به روشنی مشخص است. حتی می‌توان نتیجه گرفت که خود به این تأثیر سخن نظامی آگاه بوده، لذا تلاش کرده با افزودن ابیات و تصاویر بتواند به تعبیر و تصاویر بهتری برسد که این تلاش در یافتن معنی تازه باعث افزایش حجم توصیفات او شده است. گاهی روح‌الامین برای بیان توصیفات بیشتر، از جملات شرطی استفاده می‌کند، بدین ترتیب که در مصرع اول شرط و در مصرع دوم جواب شرط را می‌آورد. این فرمول به او اجازه می‌دهد که یک چیز را به چندین شکل متفاوت وصف کند. در حالی که نظامی به صورت طبیعی و جاندار به وصف می‌پردازد و از چنین تمهیداتی استفاده نمی‌کند. از دیگر تفاوت‌های توصیف در این دو منظومه، فراوانی تصاویر مرگب

در سخن نظامی است، در حالی که اغلب تصاویر در سخن روح‌الامین تصاویر ساده است؛ یعنی تصویری که در سخن روح‌الامین آمده در عین حال که خود تصویر مستقلی است و به صورت مجزا و جزئی توصیف شده است، در شعر نظامی به صورت قسمتی از یک تصویر مرکب است و نظامی توانسته تصاویر متعدد را در متن انسجام بخشد. بیشتر توصیفات هر دو شاعر در حوزه حس بینایی قرار دارد اما ابتکار عمل و رنگارنگی تصاویر نظامی بسی بیش از تصاویر بصری روح‌الامین است.

نتیجه‌گیری

موفقیت خمسه نظامی موجب شد که شاعران به نظیره‌سرایی بر اساس آثار او بپردازند. این روند در عهد صفوی به اوج خود می‌رسد و خمسه‌ها و سبعه‌هایی متعدد به تقلید از او سروده می‌شود. از جمله این خمسه‌ها، خمسه روح‌الامین شهرستانی در اوایل قرن یازدهم است که به اقتضای نظامی منظومه‌ای به نام «شیرین و خسرو» سروده است. هر چند اصل داستان این منظومه همان است که نظامی سروده، اما وجود پاره‌ای ابتکارات و تغییرات در مقدمه، تنه اصلی و خاتمه داستان، مانند حذف، اضافه و تغییر بعضی از ماجراها تا حدی آن را از اثر نظامی متمایز ساخته است. اغلب تفاوت‌های موجود در سخن او با نظامی به دلیل تفاوت در طرز بیان است که از شاعری به شاعر دیگر متفاوت است. نیز، تبیین علت و معلولی داستان و رعایت موازین اخلاقی رایج عصر هم از دلایل تغییر داستان نظامی، توسط روح‌الامین بوده است. از نظر ادبی، سادگی لفظ و معنی نسبت به خسرو و شیرین نظامی، مهم‌ترین ویژگی اثر روح‌الامین است. این سادگی لفظ و معنی موجب شده که اثر وی فاقد ظرافت‌های بیانی و توصیفی نظامی باشد. سخن او برخلاف نظامی، ایجاز غنایی ندارد و جستن معانی تازه، موجب اطناب در سخن او شده است. همان‌گونه که روح‌الامین خود در مثنوی‌اش طبع‌آزمایی با حکیم نظامی را ناممکن می‌داند و به استادی او در این فن اعتراف کرده است، اثرش نسبت به نظامی در سطحی نازل‌تر قرار می‌گیرد.

پی‌نوشت

۱. از جواهرنامه تاکنون هیچ نسخه‌ای به دست نیامده است.
۲. ر.ک: تجلیل، جلیل (۱۳۷۲) «نوعی تشبیه در خسرو و شیرین» در مجموعه مقالات کنگره بین‌المللی بزرگداشت نهمین سده نظامی، به کوشش منصور ثروت، جلد اول، صص ۲۸۶-۲۸۷.
۳. چون اطناب، ویژگی آثار غنایی و به خصوص نظامی است، نویسنده معتقد است که این اطناب خود در آثار نظامی از نوعی ایجاز برخوردار است که مانع از خستگی خواننده و گسستگی کلام می‌شود که در اینجا از آن با اصطلاح «ایجاز غنایی» یاد می‌شود.

منابع

- اخوت، احمد (۱۳۷۱) دستور زبان داستان، اصفهان، فردا.
- ارسطو (۱۳۵۷) ارسطو و فن شعر، ترجمه و تحشیه عبدالحسین زرین‌کوب، تهران، امیرکبیر.
- ترکمان، اسکندربیک (۱۳۵۰) تاریخ عالم‌آرای عباسی، شامل وقایع سلطنت شاه عباس از سال پانزدهم پادشاهی، تهران، امیرکبیر.
- روح‌الامین (۹۸۱ هـ.ق) نسخه خطی خمسه روح‌الامین به شماره ۹۱۸۲، شماره میکرو فیلم ۹۹۳، تهران، مجلس شورای ملی.
- صفا، ذبیح‌الله (۱۳۶۹) تاریخ ادبیات در ایران، چاپ چهارم، تهران، فردوس.
- (۱۳۷۳) تاریخ ادبیات در ایران، جلد اول، خلاصه جلد اول و دوم، تهران، ققنوس.
- ظفری، ولی‌الله (۱۳۷۲) «مقایسه خسرو و شیرین با موازین داستان‌نویسی»، مجموعه مقالات کنگره بین‌المللی بزرگداشت نهمین سده تولد حکیم نظامی، دانشگاه تبریز.
- کاشانی، کلیم (۱۳۶۲) دیوان کامل کلیم کاشانی، با مقدمه و حواشی و فرهنگ لغات مهدی افشار، چاپ آژنگ.
- نصرآبادی، محمدطاهر (۱۳۷۸) تذکره الشعرا به انضمام رسائل و منشآت و اشعار، مقدمه و تصحیح و تعلیقات محسن ناجی نصرآبادی، تهران، اساطیر.
- نظامی، الیاس بن یوسف (۱۳۷۸) مخزن الاسرار، تصحیح و حواشی حسن وحید دستگردی، به کوشش سعید حمیدیان، چاپ سوم، تهران، قطره.
- (۱۳۸۵) خسرو و شیرین، تصحیح و حواشی حسن وحید دستگردی، تهران، زوآر.
- یونسی، ابراهیم (۱۳۶۹) هنر داستان‌نویسی، تهران، چاپ پنجم، تهران، آگاه.